روزنامه فرهنگی-اجتماعی صبح ایران

جام جم

ویژه فرهنگ، هنر و رسانه



بذر امید با پیوند کتاب و رسانه

«جام جم» در میزگردی با دو کارشناس مجری حوزه ادبیات، برنامه‌سازی با محوریت کتاب در بستر رادیو و تلویزیون را بررسی کرد

صفحه ۸

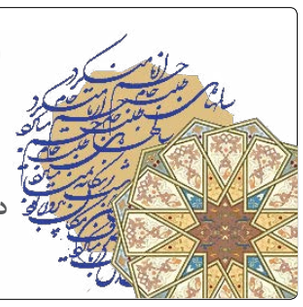

دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب درباره زبان فارسی

دیدگاه‌ها، توصیه‌ها و رهنمودهای مقام معظم رهبری پیرامون «زبان فارسی» را بررسی کرده‌ایم

۱۱



آموزش سواد سیاسی در الفبای سیاست

با دست‌اندرکاران برنامه «الفبای سیاست» که به آموزش دانش سیاسی می‌پردازند، گفت‌وگو کردیم

۷



تغییر رویکرد از مخاطب‌سنجی به اثرسنجی

رئیس مرکز تحقیقات صداوسیما در گفت‌وگو با «جام جم» از طرح‌های این مرکز برای سال جدید گفته است

۶

نگاه

درنگی بر تشخیص حق و باطل



شهاب‌الدین بناییان
نویسنده و پژوهشگر

گام نخست در مسیر شناختن حقیقت؛ بهره‌مندی از مصباح هدایت عقل با شعاعی از انوار تابنده علم نافع است... و اول قدم در طریق ضلالت؛ دل و دیده به تاریکی اوهام سپردن و از فروافتادن در پرتگاه جهل و نادانی، احتراز نداشتن!...

امیرمؤمنان حضرت امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «در شگفتم که می‌بینم مردم، شب هنگام که برای آنان غذا برده می‌شود، خود را به زحمت می‌اندازند و چراغی روشن می‌کنند تا ببینند چه چیزی در شکم خود می‌ریزند؛ اما به هنگام تغذیه روح، چراغ عقل را با شعاع علم روشن نمی‌کنند تا از آثار منفی ناآگاهی و ثمراتی که در اعتقادات و اعمال‌شان وجود دارد در امان بمانند.» (محاسبه‌النفس کفعمی صفحه ۸۳ و مستدرک سفینه‌البحار جلد ششم، صفحه ۵۳۷) شناخت حق از باطل، کاری سهل نیست و او که می‌خواهد در سیر صحیح بندگی خالق متعال حرکت نماید و به فتح قلل رفیع سعادت، نائل آید؛ راهی جز تبعیت از رهنمود عقل ظاهر و باطن ندارد... وجود نورانی حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «خداوند پاره‌ای از حق و پاره‌ای از باطل را برگرفت و آنها را درهم آمیخت، سپس آن را به مردم ارائه نمود. آنگاه پیامبران را برانگیخت تا بین حق و باطل جدایی اندازند.

اگر حق و باطل روشن و به سهولت قابل تشخیص بودند، مردم نیازی به پیامبران و اوصیاء نداشتند، لیکن خداوند حق و باطل را درهم آمیخت و انبیاء و ائمه علیهم‌السلام را مأمور جداسازی آنها نمود.» (بحارالانوار، جلد ۴۷، صفحه ۴۰۸) از جمله سختی‌های پیمایش این ره صعب، وجود برخی شباهت‌های سراب‌گونه ظاهری میان حق و باطل است که می‌تواند برای انسان‌های سطحی‌نگر، موجد گمراهی گردد... به عنوان مثال: این‌که بدانیم «عمل به بدعت‌ها» موجب آراستن چهره ظالم به دو نقاب خشوع و گریه می‌شود؛ بسیار اعجاب‌آور و در عین حال، تأمل برانگیز است... حضرت امام موسی بن جعفر علیه‌السلام، از نیاکان پاکش و آنان از رسول خدا صلوات‌ا...علیهم نقل می‌کنند: «هرکس خود را به بدعتی مشغول کند، شیطان او را به عبادت مشغول می‌کند و به او حالت خشوع و گریه می‌دهد.» (بحارالانوار جلد ۶۹، صفحه ۲۱۷) حالیا ببینیم که ثمره میدان دادن به ظالمان چیست؟ بعد از آن‌که حق بر باطل رجحان نیافت و به باطل، لباس حق پوشانیده شد؛ ستمگر جایگزین امام عدل گشته و تبعات این عذرتراشی‌های اشتباه، بیش از پیش دامن همان فرد و جامعه را می‌گیرد... حضرت امام صادق علیه‌السلام در این خصوص فرمودند: «هرکس برای ظلم ظالمی عذر بتراشد، خداوند کسی را بر وی چیره می‌سازد که بر او ظلم کند؛ پس اگر خدا را [برای نجات از آن ظالم] بخواند، دعایش را اجابت نخواهد کرد و در عوض [تحمل ظلم]، به او پاداشی نخواهد داد.» (الکافی، جلد ۲ صفحه ۳۳۴)

مکث

رمز اقبال مخاطبان به «موسی کلیم‌الله»



امیرحسین حیدری
گروه فرهنگ و هنر

فیلم موسی کلیم‌الله که به‌عنوان پایلوتی از سریالی به همین نام برای اولین بار در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر به نمایش در آمد، این روزها توانسته به پرفروش‌ترین فیلم غیرکمدی سال تبدیل شود. به گواه سامانه مدیریت فروش و اکران سینما (سمفا) این فیلم توانسته به فروشی بالغ بر ۳۷ میلیارد تومانی دست یابد و این میزان دائم در حال افزایش است که نشان از اقبال مخاطبان به این فیلم دارد. اما چه عواملی باعث شده‌اند تا «موسی کلیم‌الله» چنین موفقیتی را کسب کند؟ بی‌شک در موفقیت یک فیلم عوامل بسیاری دخیل هستند؛ عواملی همچون کیفیت فنی، فیلمنامه جذاب و بازی‌های درخور توجه؛ عواملی که در فیلم «موسی کلیم‌الله» همگی در بالاترین سطح خود قرار دارد که گواه آن جوایزی است که در جشنواره فجر کسب کرده است.

اما نکته‌ای که درباره این فیلم و اهمیت موفقیت آن خودنمایی می‌کند این‌که موضوع حضرت موسی(ع) و در مفهوم عام یهود و یهودیت همیشه یکی از موضوعات پراستناد در هالیوود به حساب می‌آید و مخاطب عام سینما حتی در ایران پیش از این فیلم‌هایی با موضوعات مشابه مانند «خروج» یا «ده فرمان» را دیده است؛ فیلم‌هایی که شاید از نظر زمانی قدیمی محسوب شوند اما هرکدام در دوره خود در قله فناوری قرار داشتند و هنوز رکوردهایی را در اختیار خود دارند. اینجاست که «موسی کلیم‌الله» راه خود را از نمونه‌های غربی جدا کرده و داستان موسی(ع) را با استفاده از منابع اسلامی و مخصوصا شیعی بیان می‌کند.

فیلم موسی کلیم‌الله به‌طور گسترده از منابع اسلامی و قرآنی برای روایت داستان حضرت موسی(ع) استفاده کرده است. قرآن به‌عنوان منبع اصلی این فیلم، بسیاری از وقایع زندگی حضرت موسی(ع) را با جزئیات بیشتری نسبت به دیگر پیامبران بیان می‌کند. این فیلم با اتکا به سوره‌های مختلف قرآن، مانند سوره‌های اعراف، یونس، کهف، شعراء، و طه، داستان زندگی حضرت موسی(ع) را به تصویر می‌کشد.

به همین علت شاهد هستیم که این فیلم در فیلمنامه و روایت با آنچه سینمای غرب به تصویر کشیده متفاوت است و این خود یکی از عوامل موفقیت این فیلم به‌شمار می‌اید؛ چراکه متاسفانه آشنایی بسیاری از مخاطبان از طریق روایت‌هایی که در فیلم‌های غربی وجود دارد و «موسی کلیم‌الله» از این بابت نقشی نو درانداخته. از جمله تفاوت‌هایی که در این دو روایت می‌توان به آن اشاره کرد این‌که در روایت توراتی، دختر فرعون، موسی را از آب می‌گیرد و به فرزندی می‌پذیرد اما در روایت اسلامی، آسیه، همسر فرعون، موسی را به فرزندی می‌پذیرد. اگرچه فیلم «موسی کلیم‌الله» دقیقا قبل از این سکانس به پایان می‌رسد اما این اختلاف را می‌توان یکی از مهم‌ترین اختلافات در میان دو روایت توراتی و اسلامی دانست.

فیلم موسی کلیم‌الله همچنین از نمادهای اسلامی استفاده کرده است. برای مثال در صحنه‌ای که یوکابد، مادر موسی، او را در رود نیل رها می‌کند، دعا می‌کند که او در پناه «پنج نور الهی» محافظت شود. این نماد به پنج تن آل عبا اشاره دارد، که در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این نکته نشان‌دهنده تمرکز فیلم «موسی کلیم‌الله» بر روایت اسلامی است. خلاصه این‌که فیلم موسی کلیم‌الله با استفاده از منابع اسلامی و قرآنی، یک روایت منحصر به فرد از زندگی حضرت موسی(ع) را به نمایش می‌گذارد. این فیلم نه فقط از نظر دینی، بلکه از نظر هنری نیز یک اثر مهم در سینمای ایران به‌شمار می‌آید و استفاده از نمادهای اسلامی و تفاوت با روایت توراتی، این فیلم را به یک اثر متمایز در عرصه سینمای مذهبی تبدیل کرده است.

زاویه دید

«ایران» در متون ادب فارسی



دکتر محمدجعفر محمدزاده
پژوهشگر تاریخ زبان و فرهنگ ایران

«ایران» در تاریخ نامی بلندآوازه و دیرپاست. ایران دارای قدیمی‌ترین پیشینه «دولت و ملت» را دارد و دست‌کم از دوره مادها و پس از آن هخامنشیان دارای «دولت ملی» و فراگیر بوده است. این ادعا و بزرگ‌گویی نیست بلکه با استناد به کتیبه‌ها، سنگ‌نوشته‌ها، سکه‌ها و سفالینه‌ها و الواح گلی به‌جای مانده از تاریخ چند هزار ساله پیش از اسلام و شعر و سخن شاعران و سخنوران دوره اسلامی در هزار و ۲۰۰ سال گذشته است. این موضوع آن‌قدر بدیهی است که امروزه کمتر مورخ و شرق‌شناس و به‌ویژه ایران‌شناسی پیدا می‌شود که زحمت اثبات دوباره آن را به خود بدهد اما از آنجاکه هرازگاهی برپایه اطلاعاتی ناقص یا مغرضانه و ایران‌ستیزانه سخنانی به‌ویژه در سپهر رایانه گفته و منتشر می‌شود، ضروری است نظر به رویکرد این ستون که «زبان و ادبیات فارسی» است به آن پاسخی درخور داده شود. منابع موجود ادبیات ما اعم از نظم و نثر که خوشبختانه مستند به نسخ خطی موجودند و هرکدام بارها تصحیح و چاپ شده‌اند، گواه علمی درخشش نام کشور ایران در دوره اسلامی است. باگشت و گذاری در منابع موجود ادب فارسی که محصول فکر و اندیشه و هنر همه ایرانیان با هر گویش، زبان قومی و محلی است، خواهیم دید که نام ایران نیز مانند زبان فارسی مورد وفاق و عشق و علاقه ایرانیان بوده و آنها در جای جای اشعار خود به نام «ایران» تصریح و تاکید یا اشاره کرده‌اند. در ادامه در بخش‌هایی از آثار سده‌های نخستین شعر و ادب فارسی بنگرید.

رودکی، شاعر سده سوم و چهارم هجری و پدر شعر فارسی در قصیده مشهور «مادر می» نام ایران را در ضمن این قصیده زیبا سخن چنین آورده است: «خود بخورد نوش و اولیاش همیدون/ گوید هر یک چو می بگیرد شادان/ شادی بو جعفر احمد بن محمد/ آن مه آزادگان و مفخر ایران» او در شعر خود شادی و خوشبختی را برای ممدوح خود امیر ابوجعفر بن خلف بن لیث صفاری (مقتول به سال ۳۵۲) خواستار است و در بزرگی و نیکنامی او را باعث فخر تمام ایرانیان می‌داند.

ابوسعید ابوالخیر، شاعر، عارف و صوفی زاده ۳۵۷ هجری است و گرچه اشعار زیادی از او در دست نیست و بیشتر «رباعیات» منسوب به اویند در یکی از این رباعی‌ها چنین از ایران یاد کرده است: «سبزی بهشت و نوبهار از تو برند/ آنجا که به خلد یادگار از تو برند/ در چینستان نقش و نگار از تو برند/ ایران همه فال روزگار از تو برند». بدیهی است در این رباعی وقتی از ایران در برابر چین یاد می‌شود مقصود «کشور ایران» است.

«عنصری» (زاده ۳۵۰ هجری) ملک‌الشعرای دربار سلطان محمود که از شاعران بنام دوره خود است حدود ۱۰ بار با تصریح از ایران نام برده است از آن جمله در قصیده ۵۲ دیوانش که مدح سلطان محمود است، چنین می‌گوید: «خجسته رایت منصور چون ز دارالملک/ بکرد جنبش و شد سوی کشور ایران». عنصری، سلطان محمود را پادشاه کشور ایران می‌داند و تصریح او به «کشور ایران» در سده چهارم و پنجم در نوع خود گویای این ریشه و پیشینه دولت ملی ایران است.

«نوروزنامه» کتابی در وصف نوروز و آداب و رسوم ایرانیان، منسوب به «حکیم عمر خیام نیشابوری» است. این کتاب حتی اگر هم متعلق به حکیم خیام نیشابوری نباشد در تاریخ تألیف آن که مربوط به سال‌های اواخر سده پنجم در حدود ۴۸۰ هجری است، تردید نیست. در این کتاب بارها از ایران و ایرانیان نام برده شده از آن جمله: «چون آفتاب به فروردین خویش رسید آن روز آفریدون به نو جشن کرد و از همه جهان مردم گرد آورد و عهدنامه نبشت و گماشتگان را داد فرمود و مُلک بر پسران قسمت کرد ترکستان از آب جیحون تا چین و ماچین تور را داد و زمین روم مر سلم را و زمین «ایران» و تخت خویش را به ایرج داد و ملکان ترک و روم و عجم همه از یک گوهرند و خویشان یکدیگرند و همه فرزندان فریدون‌اند». در همانجا می‌خوانیم: «شنیدم که در «ایران» مَلِکی بود و آیین او چنان بود که چون جنگی کردی، سپاهی داشتی آراسته و ساخته و ایشان را همه جامه سیاه پوشانیده راست که جنگ سخت گشتی بفرمودی تا ایشان پیش سپاه آمدندی و آن جنگ بسر بردندی...».